



پوشاک پیامبر

نوع پوشش و پوشاک حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) آنچه که بیش از همه توجه را به خود معطوف می‌دارد، بی‌تکلفی ایشان است. لباسش چون دیگر مردم بود، ساده و ارزان، در عین حال بسیار تمیز و مرتب و بر این پاکیزگی تاکید می‌ورزیدند.

فهرست مندرجات

- ۱ - بیان نوع پوشش پیامبر
- ۲ - سادگی در لیس حضرت
- ۳ - جنس لیس‌ها
- ۴ - رنگ لیس‌ها
- ۵ - عرق چین و کلاه
- ۶ - عمامه‌های او
- ۷ - کفش‌ها
- ۸ - ارثیه پیامبر
- ۹ - پانویس
- ۱۰ - منبع

بیان نوع پوشش پیامبر

بی‌گمان لیس می‌تواند نمودی از افکار و اندیشه‌های پنهان هر فرد باشد. انسان‌ها خواسته و ناخواسته با طرح و رنگ و نوع پوششی که از خود ارائه می‌دهند، نیرخی از وجودشان را به دیگران می‌نمایانند و به افراد دیگر این امکان را می‌دهند که با تامل و کنکاش در چگونگی پوشش آنها، به ابعادی نهفته از شخصیت درونی آنها پی‌برده، آنها را بهتر بشناسند؛ چرا که «از کوزه برون همان تراود که در اوست» بیان نوع پوشش و لیس‌های حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)، فتح بایی است در جهت شناخت هر چه بیشتر ایشان، خاصه که ایشان به فرموده خداوند در قرآن، اسوای حسنه برای جهانیان است.

سادگی در لیس حضرت

درباره پوشش و پوشاک حضرت (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) آنچه که بیش از همه توجه را به خود معطوف می‌دارد، بی‌تکلفی ایشان است. لباسش چون دیگر مردم بود، ساده و ارزان، در عین حال بسیار تمیز و مرتب و بر این پاکیزگی تاکید می‌ورزیدند.

[۱] طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۱۰۳.

هر چه برایش فراهم می‌شد، می‌پوشید. اعم از اینکه لنگ باشد یا پیراهن، جبه یا غیر آن باشد.

[۲] طباطبایی، محمد حسین، سنت النبی (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)، ترجمه عبس عزیز ی، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۷۳.

چرا که لباسش پوشش بود نه مایه فخرش، از اینکه لیس مایه فخر مردم گردد بدست بی‌زار بود و از آن نهی می‌فرمود و آن را موجب لعن ملانکه آسمانها و زمین می‌دانست.

[۳] مجلسی، محمد باقر، حلیة المتقین، انتشارات رشیدی، ۱۳۶۴، ص ۶.

بسیار می‌شد که جز یک روپوش لباسی دیگر به تن نداشت و دو سوی آن را میان شانهایش گره می‌زد و با همان لیس بر جنازه‌ها با مردم نماز می‌خواند و کارهای روزمره را انجام می‌دادند.

[۴] طباطبایی، محمد حسین، سنت النبی (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)، ترجمه عبس عزیز ی، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۷۴.

[۵] حمیری، عبدالله ابن جعفر، قرب السناد (الجعفریة)، تصحیح احمد صادق اردستانی، قم، موسسه الثقافه الاسلامیه مکوشانیپور، ۱۴۱۷، ص ۱۶۰.

گاه عبای کهنه و صلحاری به تن می‌کرد و می‌فرمود: «من بندهام و لباس بندگان را می‌پوشم»

[۶] طباطبایی، محمد حسین، سنت النبی (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)، ترجمه عبس عزیز ی، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۷۳.

بسیار می‌شد که لباس خشن به بر می‌کرد و از جمله وصایایش به ابوذر پوشیدن لیس خشن و جامه درشت بود تا غرور و خودخواهی به شخص راه نیابد.

[۷] طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۴۱۷.

بلندای لباسش تا بالای قوزک پا بود.

[۸] طباطبایی، محمد حسین، سنت النبی (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)، ترجمه عبس عزیز ی، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۷۳.

و بیشتر از این را روا نمی‌داشتند و آن را نهی می‌کردند.

روپوشی را که به تن می‌کردند تا نصف ساق پایشان را می‌پوشاند.

[۱۹] طباطبائی، محمد حسین، سنت النبی (صلی الله علیه وآله وسلم)، ترجمه عیسیٰ عزیزی، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۷۳.

روپوشی که حضرت به بر می کردند معمولاً قمیصی بود گشاد با آستین‌هایی تنگ که تا انگشتان دستشان را در بر می گرفت.

[۱۸] ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت، دار الصادر و دار بیروت، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۴۵۹.

به لباس گشاد علاقه داشتند و لباس تنگ را و می گذاشتند.

[۱۷] ابی حنیفه، نعمان بن محمد، دعائم السلام، تحقیق اصف بن علی اصغر فیضی ف مصر، دار المعارف، ج ۲، ص ۱۷۶.

[۱۶] ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت ف دار الصادر و دار بیروت، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۴۶۳.

بر ایشان راحت‌ترین لباس، لباسی بود که قابل تاشدن باشد.

[۱۵] ابی حنیفه، نعمان بن محمد، دعائم السلام، تحقیق اصف بن علی اصغر فیضی ف مصر، دار المعارف، ج ۲، ص ۱۵۸.

[۱۴] الحمیری، عبدالله ابن جعفر، قرب السناد (الجعفریات)، تصحیح احمد صادق اردستانی، قم، موسسه الثقافه الاسلامیه مکشانیپور، ۱۴۱۷، ص ۲۸۷.

غیر از لباس‌هایی که در روزهای **جمعه** به تن می کردند و دو جامه داشتند که خاص روزهای جمعه بود.

[۱۳] مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۲۵۱.

شلوار می پوشیدند، شلواری را که به بر می کردند نیز به مانند لباسهایشان از قوزک پایشان فراتر نمی رفت.

[۱۲] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۲۰۷.

زمانی هم که شلوار نداشتند لباس بلندی می پوشیدند بنام «شله» که کار شلوار را می کرد،

[۱۱] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۶۹.

می فرمودند: «هر که پیراهن بلند پیدا نکند شلوار بپوشد»

[۱۰] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۱۹۴.

و «امت من از بی شلواری و عریانی رانها نهی شده اند»

[۹] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۲۲۱.

گاه پارچه‌ای راه راه به تن می کردند و از آن شلوار تهیه می کردند که به تن حضرت بسیار زیبا می آمد، بواسطه آن که سیاهی آن با سفیدی ساق و پشت پای حضرت کمالاً تناسب داشت.

[۸] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۶۹.

بنابر **سنت انبیا** پیراهن را قبل از شلوارشان می پوشیدند.

[۷] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۱۹۲.

لباس را همواره از جانب راست می پوشیدند و از طرف چپ بیرون می آوردند.

[۶] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۱۹۳.

[۵] مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۲۵۱.

روزهای جمعه آغازین روز پوشیدنی‌های نویشان بود.

[۴] علل المتناهیة، پیشین، ص ۶۸۲.

[۳] صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۳، ج ۱، ص ۲۷۱.

همواره عادتشان بر این بود که لباس نویشان را با حمد خدا بپوشند و بعد جامه کهنشان را انفاق کنند و بدین کار نیز توصیه می فرمودند.

[۲] صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۳، ج ۱، ص ۷۱.

[۱] کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۴۵۸.

جنس لباس ها

به رسم انبیا سلف (علیه السلام) کتان می پوشیدند.

[۱۸] شیخ صدوق، خصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، ص ۶۱۳.

اما قالب لباسشان از پنبه بود، جز در مواقع بیماری و ناچاری لباس پشمین و موین نمی پوشیدند.

[۱۹] شیخ صدوق، خصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، ص ۶۱۳.

رنگ لباس ها

بیشتر لباس هایشان سفید بود.

[۲۰] شیخ طوسی، محمد بن حسن، امالی، قم، مکتبه الدواری، ج ۱، ص ۳۹۸.

[۲۱] بیهقی، احمد بن حسن، سنن الکبری، لبنان، دار الفکر، ج ۳، ص ۳۳.

[۲۲] بیهقی، احمد بن حسن، سنن الکبری، لبنان، دار الفکر، ج ۵، ص ۴۰۲.

می فرمودند: «خیر ثیابکم البیاض، فیلبسه احیایکم و کفنوا فیہ موتکم»

[۲۳] طباطبائی، محمد حسین، سنت النبی (صلی الله علیه وآله وسلم)، ترجمه عیسیٰ عزیزی، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۵، ج ۱۲، ص ۱۷۳.

چرا که لباس سفید طیب و اطهر لباس هاست.

[۲۴] ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت ف دار الصادر و دار بیروت، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۴۶۰.

لباس سبز را دوست می داشت.

[۲۵] ابن ابی جمهور، عوالی اللالی، تحقیق مجتبی عراقی، قم، چاپخانه سید الشهداء (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۱۴.

[۲۶] صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، قم، انتشارات مومنین، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۳۳.

[۲۷] شیخ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضر الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ج ۱، ص ۲۵۱.

[۲۸] کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۴۴۹.

عباهای سبزی داشتند که گاهی به شانه می انداختند.

- [۳۹] ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت ف دار الصلار و دار بیروت، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۴۵۵.
- [۴۰] ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۴۱۸.
- از لیل سیاه کراحت داشت مگر در سه چیز: **علامه، کفش، عبا**.
- [۴۱] ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۴۵۱.
- [۴۲] ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ابن شهر آشوب، قم، انتشارات علامه، ج ۱، ص ۱۷۱.
- عبایش سیاه بود.
- [۴۳] ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت ف دار الصلار و دار بیروت، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۴۵۲.
- برد سرخی نیز داشت که روز جمعه و **عیدین** می پوشید.
- [۴۴] ابی حنیفه، نعمان بن محمد، دعائم السلام، تحقیق اصف بن علی اصغر فیضی ف مصر، دار المعارف، ج ۲، ص ۱۵۹.
- [۴۵] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۱۲۰.
- [۴۶] الحمیری، عبدالله ابن جعفر، قرب السناد (الجغریات)، تصحیح احمد صلق اردستانی، قم، موسسه الثقافه الاسلامیه مکشانیور، ۱۴۱۷، ص ۱۸۴.
- بسیار می شد که تمامی لیل هایشان حتی علامه شان را با زعفران رنگ می کرد.
- [۴۷] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۷۰.
- [۴۸] مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۹۸۳، چپ دوم، ص ۲۵۰.

عرق چین و کلاه

عرق چین های راه راه سفید مصری بسر می گذاشت،

- [۴۹] کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۴۶۱.
- گاهی آن را زیر عمامه و گاه تنها بسر می کرد
- [۵۰] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۲۲۷.
- [۵۱] شیخ صدوق، محمد بن علی، من لا یحفر الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، موسسه نشر اسلامی، چپ دوم، ج ۴، ص ۱۷۸.
- [۵۲] کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۴۶۱.
- و گاهی نیز آن را از سر بر می داشت و شالی به سر و پیشانی می بست.
- [۵۳] صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیر خیر العباد، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، چپ اول، ۱۹۹۳، ج ۷، ص ۲۸۷.
- چند قسم کلاه داشت، زمانی کلاه بلند یمنی بسر می کرد و زمانی دیگر کلاهی سیاه؛ کلاه جنگش از دو طرف اضافه ای داشت که گوش های ایشان را می پوشاند.
- [۵۴] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۲۲۷.
- ابن عیسی** می گوید: حضرت سه کلاه داشت: کلاه سفید مصری و دیگر کلاهی از برد حبره، کلاه سفرشان نیز گوشه دار بود.
- [۵۵] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۷۰.

عمامه های او

عمامه های او سنجاب داشت.

- [۵۶] ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۳۱۹.
- [۵۷] ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت ف دار الصلار و دار بیروت، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۴۵۱.
- عمامه های نیز از خز سیاه داشت که در سفر و غیر سفر به سر می کرد و اگر علامه نداشت دستمالی به سر می بست.
- [۵۸] **طباطبایی، محمد حسین، سنت النبی (صلی الله علیه و آله وسلم)**، ترجمه عیسی عزیزی، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۵، چپ ۱۲، ص ۱۷۴.
- روز جمعه و عیدین بیرون نمی آمدند مگر با عمامه، علامه های که یک سر پارچه اش را از بین کتفها دور داده و به شانه می انداخت.
- [۵۹] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۲۲۴.
- [۶۰] ابی حنیفه، نعمان بن محمد، دعائم السلام، تحقیق اصف بن علی اصغر فیضی ف مصر، دار المعارف، ج ۲، ص ۱۵۹.
- بلندی پارچه عمامه اش به اندازه ای بود که آن را سه یا پنج دور بر سرشان می پیچیدند.
- [۶۱] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۷۰.
- [۶۲] ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۳۱۹.
- [۶۳] مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۹۸۳، چپ دوم، ص ۲۵۱.
- بر خوب بستن عمامه تاکید داشتند و آن را تاج عرب می دانستند.
- [۶۴] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۲۲۹.
- عمامه روز جمع هاشان «**سجلی**» نام داشت تا اینکه آن را به **حضرت امیر المومنین (علیه السلام)** بخشیدند.
- [۶۵] طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۳۶.

کفش ها

همه نوع کفش می پوشید اما بر پوشیدن نعلین خوب تاکید داشتند،

- [۶۶] مجلسی، محمد باقر، حلیه المتقین، انتشارات رشیدی، ۱۳۶۴، ص ۱۲.
- می فرمودند: «هر که نعلین ندارد کفش بپوشد»
- [۶۷] ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۴۱۷.
- نعلینش ظریف بود و پاشنه دار و نوکش هم تیز نبود.

- [۴۸] ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۴۱۷. سنت‌شان بر این بود که پس و پیش و بلند و میانش تهی باشد تا کف نعلین کاملاً به زمین نجسند.
- [۴۹] ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۷۳. چهار جفت کفش داشتند که از **خبر** به ایشان رسید. دو نعلین دباغی شده نیز داشتند که موهای آن گرفته شده بود. کفش ساده سیاهی نیز داشتند که **هدیه نجاشی** به ایشان بود.
- [۵۰] ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۴۱۷. بسیاری از اوقات هم که پوست دباغی نشده می‌پوشیدند.
- [۵۱] ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۷۳. در پوشیدن کفش و نعلین نیز به مانند لباس‌هایشان ابتدا از پای راست آغاز کرده و در بیرون آوردنش پای چپ را مقدم می‌داشت.
- [۵۲] ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۵۰.

ارثیه پیامبر

حضرت روز **وفات** لباسی از برد یمنی به تن داشت. از ایشان شلواری عمانی به همراه لباس‌های صحاری، جبه یمانی، عبای سفید، شلواری به طول پنج وجب، عبای بهاری راه راه رنگین و کلاه‌های کوچک به **ارث** ماند.

[۵۳] ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۴۱۸.

پانویس

۱. ↑ [طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۱۰۳.](#)
۲. ↑ [طباطبایی، محمد حسین، سنت النبی \(صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم\)، ترجمه عبس عزیز، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۳.](#)
۳. ↑ [مجلسی، محمد باقر، حلیه المتقین، انتشارات رشیدی، ۱۳۶۴، ص ۶.](#)
۴. ↑ [طباطبایی، محمد حسین، سنت النبی \(صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم\)، ترجمه عبس عزیز، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۴.](#)
۵. ↑ [حمیری، عبدالله ابن جعفر، قرب السناد \(الجعفریات\)، تصحیح احمد صادق اردستانی، قم، موسسه الثقافه الاسلامیه مکوشانپور، ۱۴۱۷، ص ۱۶۰.](#)
۶. ↑ [طباطبایی، محمد حسین، سنت النبی \(صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم\)، ترجمه عبس عزیز، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۳.](#)
۷. ↑ [طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۴۱۷.](#)
۸. ↑ [طباطبایی، محمد حسین، سنت النبی \(صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم\)، ترجمه عبس عزیز، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۳.](#)
۹. ↑ [طباطبایی، محمد حسین، سنت النبی \(صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم\)، ترجمه عبس عزیز، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۳.](#)
۱۰. ↑ [ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت، دار الصادر و دار بیروت، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۴۵۹.](#)
۱۱. ↑ [ابی حنیفه، نعمان بن محمد، دعائم السلام، تحقیق اصف بن علی اصغر فیضی ف مصر، دارالمعارف، ج ۲، ص ۱۷۶.](#)
۱۲. ↑ [ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت ف دار الصادر و دار بیروت، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۴۶۳.](#)
۱۳. ↑ [ابی حنیفه، نعمان بن محمد، دعائم السلام، تحقیق اصف بن علی اصغر فیضی ف مصر، دارالمعارف، ج ۲، ص ۱۵۸.](#)
۱۴. ↑ [الحمیری، عبدالله ابن جعفر، قرب السناد \(الجعفریات\)، تصحیح احمد صادق اردستانی، قم، موسسه الثقافه الاسلامیه مکوشانپور، ۱۴۱۷، ص ۲۸۷.](#)
۱۵. ↑ [مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۲۵۱.](#)
۱۶. ↑ [طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۲۰۷.](#)
۱۷. ↑ [طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۶۹.](#)
۱۸. ↑ [طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۱۹۴.](#)
۱۹. ↑ [طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۲۲۱.](#)
۲۰. ↑ [طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۶۹.](#)
۲۱. ↑ [طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۱۹۲.](#)
۲۲. ↑ [طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۱۹۳.](#)
۲۳. ↑ [مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۹۸۳، ج ۱، ص ۲۵۱.](#)
۲۴. ↑ [علل المتناهیة، پیشین، ص ۶۸۲.](#)
۲۵. ↑ [صلحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۳، ج ۱، ص ۲۷۱.](#)
۲۶. ↑ [صلحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۳، ج ۱، ص ۷۱.](#)
۲۷. ↑ [کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۴۵۸.](#)
۲۸. ↑ [شیخ صدوق، خصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، ص ۶۱۳.](#)
۲۹. ↑ [شیخ صدوق، خصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، ص ۶۱۳.](#)
۳۰. ↑ [شیخ طوسی، محمد بن حسن، امالی، قم، مکتبه الدواری، ج ۱، ص ۳۹۸.](#)
۳۱. ↑ [بیهقی، احمد بن حسن، سنن الکبری، لبنان، دارالفکر، ج ۳، ص ۳۳.](#)
۳۲. ↑ [بیهقی، احمد بن حسن، سنن الکبری، لبنان، دارالفکر، ج ۵، ص ۴۰۲.](#)
۳۳. ↑ [طباطبایی، محمد حسین، سنت النبی \(صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم\)، ترجمه عبس عزیز، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۳.](#)
۳۴. ↑ [ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت ف دار الصادر و دار بیروت، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۴۶۰.](#)
۳۵. ↑ [ابن ابی جمهور، عوالی اللالی، تحقیق مجتبی عراقی، قم، چاپخانه سید الشهداء \(علیه‌السلام\)، ج ۲، ص ۲۱۴.](#)

۳۶. ↑ صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، قم، انتشارات مومنین، ۱۳۸۰، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۳۳.
۳۷. ↑ شیخ صدوق، محمد بن علی، من لا یحفر الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ج ۱، ص ۲۵۱.
۳۸. ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۴۴۹.
۳۹. ↑ ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت ف دار الصلار و دار بیروت، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۴۵۵.
۴۰. ↑ ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۴۱۸.
۴۱. ↑ ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۴۵۱.
۴۲. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ابن شهر آشوب، قم، انتشارات علامه، ج ۱، ص ۱۷۱.
۴۳. ↑ ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت ف دار الصلار و دار بیروت، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۴۵۲.
۴۴. ↑ ابی حنیفه، نعمان بن محمد، دعائم السلام، تحقیق اصف بن علی اصغر فیضی ف مصر، دارالمعارف، ج ۲، ص ۱۵۹.
۴۵. ↑ طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۱۲۰.
۴۶. ↑ الحمیری، عبدالله ابن جعفر، قرب السناد (الجفریت)، تصحیح احمد صادق اردستانی، قم، موسسه الثقافه الاسلامیه مکوشانپور، ۱۴۱۷، ص ۱۸۴.
۴۷. ↑ طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۷۰.
۴۸. ↑ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۹۸۳، چاپ دوم، ص ۲۵۰.
۴۹. ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۴۶۱.
۵۰. ↑ طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۲۲۷.
۵۱. ↑ شیخ صدوق، محمد بن علی، من لا یحفر الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ج ۴، ص ۱۷۸.
۵۲. ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۴۶۱.
۵۳. ↑ صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیر خیر العباد، تحقیق عدل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۹۹۳، ج ۷، ص ۲۸۷.
۵۴. ↑ طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۲۲۷.
۵۵. ↑ طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۷۰.
۵۶. ↑ ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۳۱۹.
۵۷. ↑ ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت ف دار الصلار و دار بیروت، ۱۹۶۰، ج ۱، ص ۴۵۱.
۵۸. ↑ [طباطبایی، محمد حسین، سنت النبی \(صلی الله علیه و آله وسلم\)، ترجمه عبس عزیز ی، قم، انتشارات صلاه، ۱۳۸۵، چاپ ۱۲، ص ۱۷۴.](#)
۵۹. ↑ طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۲۲۴.
۶۰. ↑ ابی حنیفه، نعمان بن محمد، دعائم السلام، تحقیق اصف بن علی اصغر فیضی ف مصر، دارالمعارف، ج ۲، ص ۱۵۹.
۶۱. ↑ طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۷۰.
۶۲. ↑ ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۳۱۹.
۶۳. ↑ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۹۸۳، چاپ دوم، ص ۲۵۱.
۶۴. ↑ طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۲۲۹.
۶۵. ↑ [طبرسی، رضی الدین ابی نصر، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، انتشارات فراهانی، ص ۳۶.](#)
۶۶. ↑ مجلسی، محمد باقر، حلیه المتقین، انتشارات رشیدی، ۱۳۶۴، ص ۱۲.
۶۷. ↑ ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۴۱۷.
۶۸. ↑ ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۴۱۷.
۶۹. ↑ ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۷۳.
۷۰. ↑ ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۴۱۷.
۷۱. ↑ ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۷۳.
۷۲. ↑ ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۵۰.
۷۳. ↑ ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الاثر، بیروت، دار المعرفه، ج ۲، ص ۴۱۸.

منبع

سایت بزو هه، برگرفته از مقاله «پوشاک پیامبر»، تاریخ باز یابی ۱۳۹۵/۹/۲۹.

رده‌های این صفحه: [تاریخ اسلام](#) | [سیره پیامبر](#) | [انجیل پیامبر](#) | [مقالات بزو هه](#)